

نقش مشارکت سیاسی و نظام دموکراتیک در شکل‌دهی فرهنگ سیاسی (مورد مطالعه: مدیران و معاونین وزارتخانه‌های کردستان عراق)

فرهاد مهرگان

دانشجوی دکترای مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول) mehrgan.farhad@gmail.com

ابوالحسن فقیهی

استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
ناصر میرسپاسی

استاد، گروه مدیریت دولتی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

چکیده

مقدمه و هدف پژوهش: پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان اثرگذاری مشارکت سیاسی در استقرار نظام دموکراتیک و تاثیر فرایندهای دموکراتیک در شکل‌دهی به ارزشهای فرهنگ سیاسی شهروندان کرد در منطقه کردستان عراق انجام شده است. روش پژوهش: این تحقیق از نظر هدف، بنیادی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی (پیمایشی) و از نظر روابط بین متغیرها جزو مطالعات همبستگی است. جامعه آماری تحقیق شامل مدیران و معاونین ۱۳ وزارتخانه هستند که براساس فرمول کوکران ۷۳ نفر به عنوان نمونه و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه‌های محقق ساخته برای سنجش متغیرهای مشارکت سیاسی، دموکراسی و ارزش‌های فرهنگ سیاسی است که بر حسب طیف پنج ارزشی لیکرت طراحی شدند. پرسشنامه‌ها قبل از توزیع در اختیار ۲۵ نفر خبره قرار گرفت تا روایی و پایایی آنها اطمینان حاصل شود. داده‌ها تحقیق در سطح آمار استنباطی از طریق آزمون‌های کولموگروف - اسمیرنوف، همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر، و با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و LISREL آزمون شدند.

یافته‌ها: نتایج آزمون‌ها نشان داد داده‌های جمع‌آوری شده دارای توزیع نرمال هستند. هم‌چنین بین متغیرهای تحقیق همبستگی قوی، مثبت و معنادار وجود دارد، و تحلیل مسیر متغیرها در حد قابل قبول است.

نتیجه‌گیری: نتایج بدست آمده حاکی از آن است: اولاً مشارکت سیاسی شهروندان در استقرار یک نظام دموکراتیک موثر است، ثانیاً فرایندهای دموکراتیک در شکل‌گیری ارزش‌های فرهنگ سیاسی تاثیرگذار است. بر این اساس با اتکا به وضعیت موجود می‌توان درصد بالایی از تغییرات را پیش‌بینی کرد.

واژگان کلیدی: مشارکت سیاسی، دموکراسی و فرهنگ سیاسی.

مقدمه

می‌کند ارزشمند است. به باور وی دموکراسی با تشدید تاثیر آزادی بر منش افراد، فضیلت مدنی را در مردم عادی تقویت می‌کند. مشارکت سیاسی نه صرف رای دادن برای انتخاب نمایندگان، بلکه مشارکت مستقیم در سطح محلی با آموزش انضباط به مردم، تقویت هوشمندی و شکل دادن به اخلاقیات آنان را پرورش می‌دهد و از آنها شهروندان بهتری می‌سازد ترنس و دگر (۲۰۱۳). در کل می‌توان گفت مشارکت سیاسی به عنوان یکی از انواع مشارکت‌ها، از شاخص‌های توسعه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در جوامع به شمار می‌رود که به صورت فعالیت‌های مستقیم و غیرمستقیم (از طریق نهادهای قانونی) در امور عمومی انجام می‌شود. البته نمی‌توان انتظار داشت که در ساختار تصمیم‌گیری یک کشور، تمامی نظرات و دیدگاه‌ها مدنظر قرار گیرند.

بیان مساله

مشارکت شهروندان در مسایل سیاسی و امور مربوط به حکومت و همچنین برقراری یک نظام دموکراتیک از اهم مسائل هر جامعه‌ای به شمار می‌رود و مستلزم این است که مردم در کمال آزادی و با سنجش عقلانی در سرنوشت خود و جامعه‌شان حضور فعال داشته باشند تا بتوانند در روند تصمیم‌گیری‌ها برای تحقق اهداف ملی و دخالت کرده و در تعیین خط‌مشی‌های عمومی و چگونگی اداره امور کشور تاثیرگذار باشند. بدیهی است فرآیند مشارکت و دموکراتیک شدن سیستم حکومتی، با توزیع و توزیع مجدد ساختار قدرت همراه است. لذا افراد و سازمانهایی که تا کنون بخش عظیمی از قدرت و اقتدار کلی نظام سیاسی و اداری را در دست دارند، در مقابل از دست دادن قدرت‌شان مقاومت می‌کنند، و افرادی که در روند دگرگونی‌ها و مردمی کردن نظام سیاسی و اداری صاحب قدرت و جایگاه شده‌اند به استقبال تغییر رفته و از آن حمایت می‌کنند. البته باید بر این موضوع تاکید کرد مشارکت فعالانه شهروندان در

مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، همیشه به عنوان یکی از ارزش‌های مهم اداره امور عمومی مطرح است. به طوری که مشارکت شهروندان یکی از اقدامات کلیدی در راستای عدالت اجتماعی بشمار می‌رود. بنیادی‌ترین اندیشه زیرساز مشارکت، پذیرش اصل برابری مردم است و هدف از آن، هم‌فکری و تشریک مساعی افراد در جهت بهبود کیفیت زندگی در تمامی زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. پس مشارکت مردم در سیاست به هر شکل معنادار، برای تحقق دموکراسی لازم است، هر چند کافی نیست. با علم به این که نظام‌های سیاسی در طول تاریخ شکل‌دهنده ساختار حکومتی بوده‌اند، تمامی سیستم‌های سیاسی اعم سوسیالیسم، لیبرالیسم، فاشیسم و... همیشه مدعی شده‌اند با برنامه‌ها و خط‌مشی‌های که دارند می‌توانند شهروندان خود را در نیل به اهداف و خواسته‌هایشان رهبری کنند و جامعه را به بهترین شیوه ممکن اداره نمایند. بر این اساس بین سیستم‌های سیاسی و شهروندان یک رابطه دو سویه ایجاد شده که در آن مردم همواره جهت دستیابی به خواسته‌ها و مطالبات خود، خواهان افزایش نقش‌شان در اداره امور کشورشان هستند. مشارکت سیاسی در پی فرآیند اجتماعی شدن انسانها و دخالت در امور مدیریت سیاسی کشورها وارد ادبیات سیاسی نظریه‌پردازان دنیای سیاست شده است. در نگاه اندیشمندان باستان، مفهوم مشارکت معادل مفهوم ادای وظیفه و یا بهره‌وری و برخورداری بود، اما مشارکت به مفهوم جدید آن با حق حاکمیت انسانی همراه است. بستر عقلانی این نوع مشارکت با اندیشه‌های جان لاک^۱، جان استوارت میل^۲ و سپس در جامعه‌شناسی وبر فراهم شد و مشارکت سیاسی، حقوق همه مردم برای داشتن آزادی‌های فردی و زندگی در جامعه‌ای مبتنی بر دموکراسی دانسته شد سیف‌زاده (۱۳۸۸). به باور میل مشارکت سیاسی به دلیل فرصتی که برای رشد فراهم

خاورمیانه انجام شده است، اما تا به حال تحقیقی با موضوع این مقاله در منطقه کردستان عراق صورت نگرفته است. بر این مبنا مطالعه حاضر در تلاش برای پاسخگویی به چند سوالات می‌باشد: الف. آیا مشارکت سیاسی شهروندان کرد در منطقه کردستان عراق به استقرار نظام دموکراتیک کمک کرده است؟ ب. آیا مشارکت سیاسی شهروندان کرد در منطقه کردستان عراق در شکل‌دهی ارزش‌های فرهنگ سیاسی موثر است؟ ج. آیا دموکراسی (فرایندهای دموکراتیک) در منطقه کردستان عراق در شکل‌گیری ارزش‌های فرهنگ سیاسی تاثیرگذار است؟

اهمیت و هدف پژوهش

مشارکت سیاسی در دنیای امروز که مردم‌سالاری و دیدگاه‌های سیاسی مردم نسبت به عملکرد صاحب‌منصبان، گفتمان غالب آن است و صورت‌های مختلف مشارکت، تبیین‌کننده فرایندهای دموکراتیک است، موضوعی مهم بشمار می‌رود ونهانن (۱۹۹۰). مشارکت سیاسی و ایجاد نهادهای سیاسی دموکراتیک بر وجود جامعه مدنی پویا، رشد یافته، و بر تعامل دوسویه بین مردم و دولت تاکید دارد. چنین رویکردی اولاً ارتباط بین بخش‌های مختلف جامعه را گونه‌ای تنظیم می‌کند که حاکمیت نتواند بر حقوق سیاسی مردم تعدی کند، و آزادی‌های آنها را مخدوش سازد، ثانیاً نگرش‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی در بین مردم نسبت به فعالیت‌های نظام سیاسی ایجاد می‌کند تا مردم براساس واقعیت‌های جامعه با نظام سیاسی همکاری و تعامل داشته باشند. لذا به نظر می‌رسد با بررسی فرایند مشارکت سیاسی می‌توان راهکارهایی برای استقرار و تثبیت نظام دموکراتیک ارائه نمود تا در نهایت به ارتقاء و بهبود ارزش‌های فرهنگ سیاسی منجر شود. بر این مبنا با توجه به نقش مشارکت سیاسی در ایجاد یک جامعه مدرن، توانمند و دموکراتیک، اهمیت و ضرورت بررسی مشارکت سیاسی شهروندان کرد در

تصمیم‌گیری‌ها نخست در میزان آگاهی و شناخت آنان از هویت شهروندی خویش متجلی می‌شود، سپس در سهیم شدن در اداره امور کشور و سیاست‌گذاری‌های کلان عینیت می‌یابد. هم‌چنین ذکر این نکته ضروری است که فقط از طریق مشارکت می‌توان قدرت سیاسی به طریق مسالمت‌آمیز دست به دست شود. چنان‌که ارسطو بیان می‌کند چنان‌چه مردم از روی تعقل در امور سیاسی مشارکت کنند، می‌توانند از تسلیم در برابر عوام فریبان غیرمسئول دوری کنند قوام (۱۳۹۳). کاهش مشارکت سیاسی در جامعه به معنای ایجاد جدایی و فاصله بین مردم و سیستم سیاسی است و این وضعیت می‌تواند در اداره جامعه و ثبات سیاسی اختلال ایجاد کند. ادامه چنین وضعیتی منجر به ایجاد تنش‌ها و بحران‌ها در عرضه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شده و دیر یا زود منجر به فروپاشی ساختار قدرت جامعه خواهد شد. اما در مقابل افزایش مشارکت سیاسی در جامعه می‌تواند بستر لازم برای تعادل و هماهنگی تقاضاها و خواسته بخش‌های مختلف افراد جامعه را فراهم کند و میزان توسعه سیاسی یک کشور بیش از پیش بارور نماید. به نظر می‌رسد علیرغم اهمیت مشارکت سیاسی در رشد و توسعه سیاسی کشورها، هنوز در منطقه خودمختار کردستان عراق، مشارکت سیاسی به عنوان اولین گام در دستیابی به یک جامعه دموکراتیک مورد توجه قرار نگرفته و با وجود تعدد احزاب و گروه‌های سیاسی، مشارکت سیاسی هنوز به عنوان ابزاری موثر در جهت تجمیع خواسته و تقاضاهای شهروندان معرفی نشده است. با این وجود احتمال می‌رود در آینده نزدیک و در جریان تغییرات مداوم سیاسی و اداری این منطقه، مشارکت شهروندان کرد در عرصه‌های مختلف اقدامی هدفمند در راستای پیشبرد اهداف توسعه منطقه کردستان باشد. اگرچه مطالعات زیادی در مورد مشارکت سیاسی، دموکراسی (نظام‌های دموکراتیک) و فرهنگ سیاسی در اکثر کشورها بخصوص در کشورهای

که فرصت‌های منظم برای تغییر مقامات دولتی (حکومتی) را مطابق قانون اساسی دارد. هم‌چنین به باور شومپتر (۱۳۷۵) دموکراسی یک نظم نهادی به منظور رسیدن به تصمیمات سیاسی است که اقرا در تحت لوای آن به دلیل تلاش رقابت‌آمیز و با جلب آرا مردم به قدرت تصمیم‌گیری دست می‌یابند. در تعریف فرهنگ سیاسی، آلموند (۱۹۸۷) فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای از منسها، اعتقادات و احساسات در درون یک ملت نسبت به سیاست در زمانی مشخص می‌داند. به عقیده بال و پیتز (۱۳۸۴) فرهنگ سیاسی از آن ایستارها، باورها، احساسات و ارزش‌های جامعه تشکیل می‌شود که به نظام سیاسی و مسائل سیاسی مربوط است. این ایستارها ممکن است آگاهانه نباشد و به ارتباط فرد یا گروهی با نظامی سیاسی مربوط باشد. ایستارها و جهت‌گیری‌ها نسبت به نهادهای سیاسی دولت و درجه احساسات شهروندان دو جزء مهم فرهنگ سیاسی هستند که براساس آنها می‌توان بر روند تصمیم‌گیری تاثیر گذاشت. به عقیده اینگلههارت (۱۳۷۳) فرهنگ سیاسی در سطح خرد، شامل فعالیت‌های عادی سیاسی است که سطحی روان‌شناسانه و فردی را در بر می‌گیرد، ولی فرهنگ سیاسی در سطح کلان، خود، متغیرهای اساسی و مشترک در جامعه سیاسی را شامل می‌شود.

در عصر حاضر نظام‌های دموکراتیک با اتکا به آرای مردم، جزو معدود سیستم‌های سیاسی هستند که در طول تاریخ جذابیت‌های سیاسی خود را حفظ نموده‌اند و مسئولان حکومتی در این گونه نظام‌ها از مفهوم دموکراسی به نفع سیاست‌ها و گرایش‌های حکومتی خود استفاده کرده‌اند. اما آنچه روشن است تا به حال تعریف جامعی که حقایق و عقلانیت دموکراسی را اثبات کند، ارائه نشده است. اما مسلماً موضوع مشارکت سیاسی و پیگیری مطالبات مردم از طریق دخالت آنها در امور عمومی جزو مباحث کلیدی در نظام‌های سیاسی است که طرفداران و مخالفان زیادی دارد. برخی اندیشمندان مشارکت سیاسی را کانون و

منطقه کردستان عراق که خواهان برخورداری از آزادی‌های مدنی - سیاسی و تعیین سرنوشت خود هستند کاملاً مشهود و ملموس است. در این راستا اهداف پژوهش حاضر عبارتند از: الف. بررسی نقش و تاثیر مشارکت سیاسی شهروندان کردستان عراق در استقرار نظام دموکراتیک. ب. بررسی نقش و تاثیر مشارکت سیاسی شهروندان کردستان عراق در شکل‌دهی به ارزش‌های فرهنگ سیاسی. ج. بررسی نقش و تاثیر دموکراسی (فرایندهای دموکراتیک) در شکل‌دهی به ارزش‌های فرهنگ سیاسی.

ادبیات پژوهش

جهت بررسی مباحث نظری تحقیق ابتدا لازم است تعاریفی از متغیرهای پژوهش ارائه شود. در تعریف مشارکت سیاسی، رابرتسون (۱۹۸۸) بیان می‌کند مشارکت سیاسی عبارت است از میزانی که شهروندان، از حقوق دموکراتیک عادی خود مبنی بر پرداختن به آن دسته از فعالیت‌های سیاسی که در قانون تعیین شده، استفاده می‌کنند. هانتینگتون (۱۳۹۰) بیان می‌کند مشارکت سیاسی عبارت است از: فعالیت شهروندان به منظور تاثیر نهادن بر فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی دولت. راش (۱۳۹۳) نیز معتقد است مشارکت سیاسی به معنای درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است. اگر مشارکت سیاسی به صورت محدود به منزله دموکراسی تعریف نشود پدیده‌ای جهانی است، نه به این معنا که همه افراد لزوماً به فعالیت سیاسی بپردازند، و نه این که از نظر شکل یا وسعت در همه جوامع به یک اندازه معمول است، بلکه به این مفهوم که در همه جوامع یافت می‌شود. در تعریف دموکراسی، کوهن (۱۳۸۹) اعتقاد دارد دموکراسی، نظام حکومتی است که در آن اعضای جامعه به طور مستقیم یا غیرمستقیم در اتخاذ تصمیماتی که مربوط به آنهاست مشارکت می‌کنند. به نظر لیپست (۱۹۵۹) دموکراسی یک نظام سیاسی است

هیوود (۱۳۹۰) دموکراسی را ابزار کسب دستیابی انسانها به آزادی و خودمختاری می‌داند، که مطابق این رویکرد، انسانها تنها وقتی آزاد خواهند بود که از قوانینی که خود در وضع آنها مشارکت داشته‌اند، پیروی نمایند. میلبرث و گوئل (۱۳۸۶) بیان می‌کنند مشارکت جوهر دموکراسی است و به همین دلیل باید آن را بسیار ارزشمند دانست. بروکر (۱۳۸۸) معتقد است تجربه عملی نظام‌های سیاسی توسعه یافته گواه این امر است که میزان التزام دولت‌ها به پذیرش مشارکت مردم، معیار مهمی در نسبت سنجی هر شکل از نظام سیاسی با الگوی حکمرانی خوب به شمار می‌رود و می‌تواند زمینه بیشترین میزان دخالت مردم و تبیین نگرش آنها را در تعیین سرنوشت سیاسی خود فراهم آورد. آلموند و وربا به نقل از گن‌دیز (۲۰۱۷) هم مشارکت سیاسی را قلب دموکراسی می‌دانند و معتقدند رفتار شهروندان، به ویژه رای دادن، به میزان قابل توجهی نتیجه اجتماعی شدن سیاسی است. هم‌چنین گوئل (۱۹۹۵) اظهار می‌دارد بدون مشارکت پیش‌رونده مردم، دموکراسی ظاهرسازی بیش نیست. کوهن (۱۳۷۱) نیز ادعا می‌کند یکی از ابعاد دموکراسی میزان مشارکت مردم در امور است و قوام دموکراسی را منوط به وجود مشارکت می‌داند. با توجه به دیدگاه‌های ارائه شده می‌توان استدلال کرد مشارکت سیاسی، تبیین کننده نقش کلیدی شهروندان در امور سیاسی است و در هر نظام سیاسی شهروندان می‌توانند از طریق شرکت در تصمیمات و فعالیت‌های سیاسی در نیل به دموکراسی سهیم باشند.

در مقابل برخی دیگر از اندیشمندان مشارکت سیاسی شهروندان را وسیله در دست حاکمان جهت نیل به اهداف سیاسی بر شمرده‌اند و عنوان می‌کنند مشارکت سیاسی مردم به معنی پذیرش حاکمیت نظام سیاسی نیست، حتی در بسیاری از کشورها فعالیت‌های مشارکتی صرفاً جنبه صوری و نمادین دارند پوپر (۱۳۹۶)، راش (۱۳۹۳)، کورد و همکارانش (۱۹۸۵)، اوکلی و مارسدن

قلب دموکراسی خوانده‌اند و بیان می‌کنند وجود مشارکت مستلزم وجود دموکراسی است و مشارکت، ابزاری برای تحولات ساختاری در راستای آزادی و عدالت است و بدون مشارکت شهروندان تحقق نظام دموکراتیک اساساً تهی است. این افراد باور دارند دموکراسی، اشکال وسیع و گسترده‌تری از مشارکت را در بر می‌گیرد و ویژگی اصلی آن، دخالت و تصمیم‌گیری مردم در امور است که سرنوشت‌شان به آن تصمیمات وابسته است (وبر به نقل از کیویستو، ۱۳۹۲، ژاکوبسن^۳ به نقل از بشیریه، ۱۳۸۴، ستوکس^۴، ۲۰۰۳، لرنر^۵، ۱۹۵۸، دویچ^۶، ۱۹۶۱، فردریکسون^۷، ۱۹۸۰، میلبرث و گوئل، ۱۳۸۶، بروکر^۸، آلموند^۹ و وربا^{۱۰} به نقل از گن‌دیز، ۲۰۱۷، گوئل^{۱۱}، ۱۹۹۵، کوهن^{۱۲}، ۱۳۸۹). جهت تشریح این دیدگاه وبر به نقل از کیویستو (۱۳۹۲) دموکراسی را یک نظامی سیاسی می‌داند که در آن مردم، مشارکت‌کننده در نظام حکومتی باشند و نه افراد منفعل و کلید مفهوم مشارکت‌کننده درک معنای شهروندن بودن است و شهروند بودن نیز به معنای توانایی مشارکت در تصمیم‌گیری و تنظیم سیاست‌ها و نیز شرکت داشتن در انتخاب رهبران است. ژاکوبسن به نقل از بشیریه (۱۳۸۴) معتقد است مشارکت اکثریت مردم در زندگی سیاسی و تصمیم‌گیری سیاسی از طرف آنان عین دموکراسی تلقی می‌شود. فردریکسون (۱۹۸۰) عقیده دارد مشارکت شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها نیز موجب کنترل و نظارت آنها بر امور دولتی می‌شود و در نتیجه سیستم اداری متعهد به پیگیری نیازهای جامعه می‌گردد. در نتیجه مشارکت هم تقویت دموکراسی و هم به افزایش پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری کمک می‌کند. لرنر (۱۹۵۸) و دویچ (۱۹۶۱) بر این باورند تحرک اجتماعی که خود پیامد صنعتی شده است، سبب بالا رفتن سطح مشارکت توده شده و با بسیج اجتماعی می‌توان بخش بزرگتری از مردم در امور سیاسی درگیر کرد. در چنین شرایطی دموکراسی انتخابی صورت امکان می‌یابد، ولی اجتناب‌ناپذیر نیست. روسو به نقل از

گرامشی در بررسی فرهنگ سیاسی آن را نتیجه کنش‌های اقتصادی فرض کرده‌اند. آنها موضوع فرهنگ سیاسی را به حد یک بررسی ثانویه تنزل داده و به طور سنتی فرهنگ سیاسی را بخشی از روبنای جامعه تلقی می‌کنند، روبنایی که خود بازتابی از روابط اقتصادی به شمار می‌رود. در مقابل برخی صاحب‌نظران مانند اینگلههارت^{۱۳} و لیپست^{۱۴} بر این باورند فرهنگ سیاسی با ارزش‌های دموکراتیک در نظام‌های سیاسی که دموکراسی در آنها حاکم است، شکل‌گیری می‌گیرد. به نظر این افراد پیدایش و استقرار دموکراسی را پیش فرض یک فرهنگ سیاسی خاص است که اولاً تساهل نسبت به عقاید مختلف و ثانیاً اعتماد نسبت به دیگران در آن برجسته باشد بشیریه (۱۳۹۲). ارتباط بین مشارکت و نظام دموکراتیک با فرهنگ سیاسی بر این استدلال استوار است که مشارکت سیاسی مردم در چارچوب عقیده، نگرش و باور آنها به سیستم و نظام سیاسی حاکم شکل عملی پیدا می‌کند، که این عقاید و باورها تبیین‌کننده فرهنگ سیاسی جامعه است. به عبارت دیگر فرهنگ سیاسی بازتابی از نحوه عملکرد ساختار سیاسی جامعه محسوب می‌شود. به طوری که مردم با مشارکت در امور سیاسی می‌توانند در انتخاب صاحب‌منصبان سیاسی و فرآیند سیاست‌گذاری نقش مهم و کلیدی داشته باشند و یک اقدام عملی جهت نیل به دموکراسی محسوب می‌شود. دموکراسی نیز زمینه‌ساز شکل‌گیری ارزش‌ها و باورهای شهروندان نسبت به فرآیندهای سیاسی می‌شود و این دیدگاه را در فرهنگ عامه ترویج می‌دهد که همگان می‌توانند نقش مهم و موثری در آینده سیاسی کشور ایفا کنند. در کل فرهنگ سیاسی جامعه حاصل رفتار و عملکرد سیاسی در یک نظام اجتماعی است و رفتار سیاسی نیز بیان خواسته‌ها و تقاضاها از سوی شهروندان و پاسخ به این خواسته‌ها از سوی منتخبین سیاسی و صاحبان قدرت قلمداد می‌شود. هم‌چنین الزامات زندگی اجتماعی، شرایطی را ایجاد می‌کند تا

(۱۳۷۰). به منظور تشریح این دیدگاه، پوپر (۱۳۹۶) دموکراسی را در معنای حاکمیت گسترده مردم، به ترویج ایدئولوژی غیرعقلایی و دامن زدن به خرافات و خلق فضای عوام‌فربانه متهم کرده‌اند. راش (۱۳۹۳) عنوان می‌کند مشارکت سیاسی اگر به صورت محدود، مترادف با دموکراسی تعریف نشود، پدیده‌ای جهانی است، نه به این معنا که همه افراد لزوماً به فعالیت سیاسی می‌پردازند و نه این که از نظر شکل یا وسعت در همه جوامع به یک اندازه معمول است، بلکه به این مفهوم که در همه جوامع یافت می‌شود. کورد و همکارانش (۱۹۸۵) ادعا می‌کنند برخی نظام‌های سیاسی (اقتدارگرا و تمامیت‌خواه) علیرغم وجود احزاب سیاسی بیشتر خواهان مشارکت نمادین مردم در انتخابات هستند و ممکن است سطح آن از کشورهای دموکراتیک هم بالاتر باشد، اما سایر مشارکت سیاسی در آنها ترویج و ترغیب نمی‌شود. اوکلی و مارسدن (۱۳۷۰) نیز بیان می‌کنند زمانی که دولت‌ها در مورد مشارکت مردمی صحبت می‌کنند آن را مطابق سلیقه خود می‌خواهند. آنها قوانین امر را تعیین می‌کنند، کلیه تشکیلات خود جوش مردمی را بی‌اثر می‌کنند و یا افرادی را از بین خود انتخاب می‌نمایند و مفهوم مشارکت به صورت عام و مشارکت سیاسی به صورت خاص را تا حد یک بازیچه تنزل می‌دهند.

البته باید در نظر داشت فرآیند کارگزاری و بقای نهادهای دموکراتیک در سطح نظام سیاسی با جهت‌گیری‌های ارزشی سطح فردی ارتباط نزدیکی دارند. این بدان معناست سرنوشت نظام سیاسی عمدتاً به وسیله نگرش‌های سیاسی و جهت‌گیری‌های ارزشی مردم تعیین می‌شود. این ایده که نظام سیاسی هر جامعه باورها و ارزش‌های رایج مردم، یعنی فرهنگ سیاسی، را منعکس می‌کند می‌تواند نتیجه عوامل مختلفی مانند شرایط تاریخی، نظام اعتقادی، فعالیت‌های اقتصادی، ساختار سیاسی - اجتماعی باشد. بر این مبنا برخی از صاحب‌نظران مارکسیست مانند مارکس، لنین و

نظام را می‌سازند. به همین دلیل، به یکسان در رخدادهای عمومی و تجربه‌های شخصی ریشه دارد. از نظر دوتوکویل به نقل از اینگلهارت و ولزل (۱۳۹۴) در یک نظام دموکراتیک، شهروندان هنجارهای دموکراتیک را در زندگی روزانه تجربه کرده و به آن عمل می‌کنند، در نتیجه کارآمدی دموکراسی به اموری بیش از اعتماد به نهادها و نیازمند است، یعنی به مجموعه گسترده‌ای از ارزش‌ها و باورهای شهروندی نیاز است. در فرهنگ سیاسی (مشارکتی) مردم به طور نسبی در طرح درخواست‌ها و نیز داده‌ها (راهبردها، قوانین و طبقه‌بندی اولویت‌ها) نقش دارند و درباره رفتار نخبگان سیاسی حساسند. در کشورهای برخوردار از این فرهنگ سیاسی، شهروندان از نظر روانی معتقدند می‌توانند به نظام سیاسی کمک کنند و بر تصمیم‌های سیاسی اثر بگذارند قوام (۱۳۹۴). دال به نقل از هانتینگتون، (۱۹۹۳) می‌نویسد، دموکراسی دو بعد اساسی را در بر می‌گیرد: رقابت و مشارکت. این دو بعد شامل شرایطی مانند آزادی مدنی و سیاسی برای بیان عقاید و نظرات، نشر افکار، اجتماعات و سازماندهی در کمپین‌های انتخاباتی و مناظره‌های سیاسی است. عالم (۱۳۹۳) بر این باور است در جوامع توسعه‌یافته مردم در زندگی سیاسی مشارکت می‌کنند و این امر ایستارها، نگرش‌ها و ارزش‌های خاص و مختلفی نسبت به ساختارهای سیاسی (مانند احزاب و گروه‌های ذی‌نفوذ و نقش‌های آنها) در بین مشارکت‌کنندگان سیاسی ایجاد می‌کند. کات (۱۹۹۹) بیان می‌کند در دموکراسی مشارکتی مردم به وسیله مباحثات و گفتگوهای جمعی در مورد مسائل مورد نیاز و انتخاب بهترین راه حل برای گروه‌ها نقش ایفا می‌کنند. مشارکت مردم ضمانت‌های قانونی برای انجام انتخاب‌های آزاد در فعالیت‌های عمومی و خصوصی را فراهم می‌سازد که توسط یک نظام دموکراتیک نهادینه شده‌اند. از این‌رو که انتخاب انسانی در کانون دموکراسی جای دارد، ارزش‌های مدنی که فعالیت

شهروندان در فعالیت‌های سیاسی درگیر شوند و از طریق نهادها و ساختارهای موجود، در رسیدن به این خواسته‌ها خود تلاش کنند. این نوع فعالیت‌های سبب می‌شود شهروندان انتخاب بهتری نسبت به خواسته‌هایشان داشته باشند و نتیجه عمل سیاسی برای همگان سودمندی باشد. بر این اساس می‌توان گفت ارزش‌های و باورهای دموکراتیک مردم پیش شرطی برای ایجاد و کارگزاری دموکراسی نیستند، بلکه پیامد آنند و فرهنگ دموکراتیک حاکم بر جامعه در راستای زندگی در محیطی است که ریشه‌های دموکراسی در آن نهادینه شده است (دیاموند ۱۹۹۹، دوتوکویل^{۱۵} به نقل از اینگلهارت و ولزل ۱۳۹۴، دال^{۱۶} به نقل از هانتینگتون ۱۹۹۳، عالم ۱۳۹۳، پای ۱۳۷۳، کات^{۱۷} ۱۹۹۹). در تشریح رابطه مشارکت سیاسی، نظام دموکراتیک و فرهنگ سیاسی، دیاموند (۱۹۹۹) بیان می‌کند یک سیستم دموکراسی شکل‌دهنده مجموعه‌ای از ارزش‌های سیاسی و جهت‌گیری‌های شهروندان مانند تعادل، تساهل، مدنیت، اثربخشی، دانش و مشارکت است و فرهنگ سیاسی عامل مهمی و اصلی در تحکیم دموکراسی قلمداد می‌شود. پژوهشگران فرهنگ سیاسی ادعا کرده‌اند که کارگزار و بقاء نهادهای دموکراتیک در سطح نظام با نگرش‌های ارزشی سطح فردی ارتباط بسیاری دارند و مفهوم پیوستگی نظام - جمعیت که نهادی سیاسی را با تمایلات توده در ارزش‌های سطح فردی پیوند می‌دهد، برای کل ادبیات فرهنگ سیاسی ضروری است. براساس این دیدگاه سرنوشت نظام سیاسی، عمدتاً به وسیله نگرش‌های سیاسی و نگرش‌های ارزشی مردم تعیین می‌شوند و تقریباً تمامی مطالعات برآنند که تمایلات توده مردم در نگرش‌های سطح فردی و نگرش‌های ارزشی برای کارگزاری دموکراسی در سطح نظام مهم هستند و این فرض پایه استدلال زیربنایی تحقیق درباره فرهنگ سیاسی است اینگلهارت و ولزل (۱۳۹۴). هم‌چنین پای (۱۳۷۳) بیان می‌کند فرهنگ سیاسی، پیامد تاریخ جمعی یک نظام سیاسی و تاریخ زندگی افرادی است که آن

دموکراسی را کارآمد می‌سازد، ارزش‌های هستند که بر انتخاب‌های انسانی تاکید می‌کنند.

پیشینه پژوهش

در خصوص ارتباط بین مشارکت سیاسی شهروندان و ایجاد نظام دموکراتیک تحقیقات متعددی انجام شده است به عنوان مثال: ویتلی^{۱۸} (۲۰۰۲) در تحقیق خود عدم تبعیض و برابری در حق مشارکت سیاسی برای اقلیت‌ها مورد بررسی قرار داد بیان می‌کند حق مشارکت سیاسی برای حمایت منافع همه گروه‌ها و اقلیت‌ها ضروری است و اقدامات لازم برای حصول اطمینان از مشارکت موثر توسط اقلیت‌ها در پروسه‌های مشورتی و تصمیم‌گیری دولت دموکراتیک حائز اهمیت است و مدعی شده دموکراسی اراده اکثریت نیست و برای یک دولت دموکراتیک شرکت مردم در بحث‌های سیاسی در حد امکان و مشارکت فعال آنها امری حیاتی محسوب شده و این یکی از اصول مهم در ارتباط با شهروندان و اساس هر رژیم حقوقی دموکراتیک بشمار می‌آید. مظلوم خراسانی و عظیمی (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی توسعه و نابرابری‌های اجتماعی در هند و نحوه ارتباط بین بهبود ظرفیت نظام‌های اقتصادی، سیاسی و توزیعی و مشارکت شهروندان پرداخته‌اند. براساس نتایج تحقیق آنها، آنچه در جامعه هند می‌تواند تعامل بین توسعه و دموکراسی را به منظور کاستن از نابرابری‌های منزلتی و درآمدی و کیفیت زندگی بهبود بخشد، حکمرانی خوب و ایجاد زمینه‌های تقویت کنش دموکراتیک با دخالت عامه مردم، جامعه مدنی و نخبگان سیاسی در امور کشور است. هم‌چنین مشارکت اکثریت مردم و تسهیل فرآیندهای دموکراتیک مسیر روشنی تا محو و یا کاهش تبعیض‌های اجتماعی در پیش دارد و با افزایش ظرفیت‌های اقتصادی می‌تواند منابع درآمدی کشور را افزایش داده و از میزان فقر و نابرابری‌های موجود بکاهد. شیرزادی (۱۳۸۹) به بحث پیرامون دولت و توسعه

سیاسی در مالزی و چگونگی فرآیند توسعه سیاسی و دموکراسی در این کشور پرداخته است. وی بیان می‌کند روند توسعه اقتصادی - اجتماعی مالزی در دوره بعد از جنگ جهانی دوم و به طور مشخص در دهه ۱۹۷۰ آغاز شده که با بهره‌گیری از مدیریت دقیق اقتصادی، آزادسازی اقتصاد، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و الگوبرداری از کشورهای موفق مانند ژاپن و کره جنوبی، یکی از کشورهای توسعه‌یافته به شمار می‌رود. اگر چه در این کشور همانند ممالک توسعه‌یافته، دموکراتیک نیست، اما در مسیر دموکراسی قرار دارد و در حال نزدیک شدن به آن است. به نظر محقق، مالزی از لحاظ دستیابی به دموکراسی، ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی کامیاب‌ترین کشور آسیای جنوب شرقی است. اطاعت (۱۳۸۳) نیز به مطالعه فرایند دموکراتیزاسیون در ایران با رویکردی مبتنی بر دموکراتیزه کردن و تحول گفتمان‌های سیاسی در ایران سده حاضر پرداخته است. وی رابطه تعاملی میان نظام انتخاباتی و نظام سیاسی که مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های متقابل تعریف می‌شود، مورد پژوهش قرار داده است و بر این نکته تاکید دارد چالش میان اقتدارگرایی و دموکراسی‌خواهی علاوه بر شکل‌دهی به دوره‌های گذار و تحول در مبانی مشروعیت نظام پاتریمونیالیستی قاجار گفتمان‌های متفاوتی را به وجود آورده است. هم‌چنین محقق استدلال می‌کند که برای ایجاد تغییر در ساختار قدرت سیاسی می‌توان دگرگونی‌هایی در نظام انتخاباتی و تغییر در نحوه مشارکت مردم به وجود آورد و یا بالعکس.

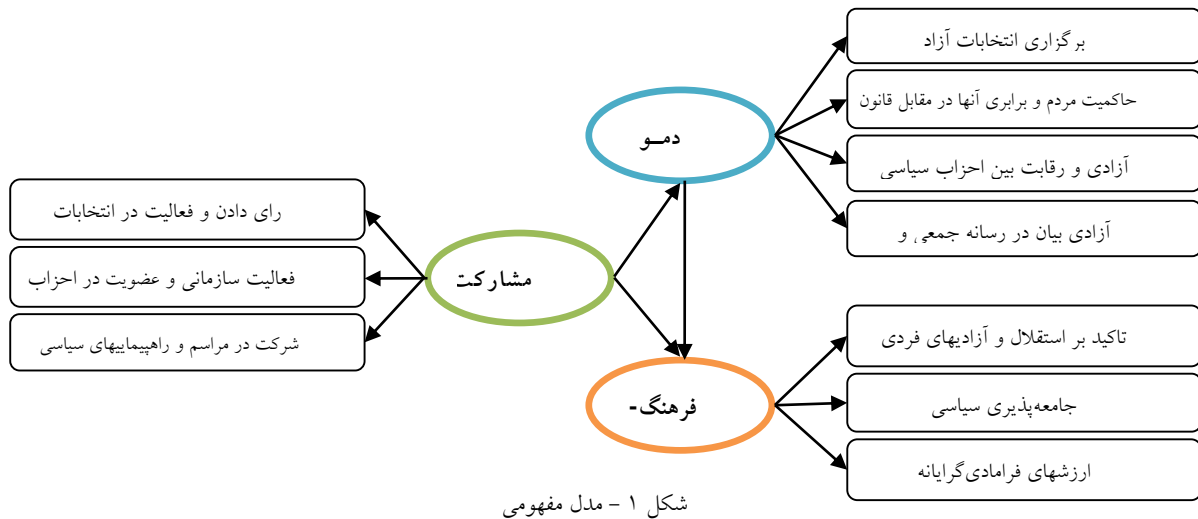
هم‌چنین پژوهش‌های مختلفی در مورد رابطه مشارکت و نظام‌های دموکراتیک با فرهنگ سیاسی جوامع صورت گرفته است که می‌توان به چند نمونه از آنها اشاره کرد. کیربیس^{۱۹} (۲۰۱۲) با بررسی ارتباط بین مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی استدلال می‌کند که مردم در کشورهای که به لحاظ اقتصادی - اجتماعی توسعه‌یافته‌ترند از نظر سیاسی نیز فعال‌ترند و افرادی که گرایش‌های غیردموکراتیک

یکی از مهم‌ترین عوامل ترغیب کردها به مشارکت در اعتماد متقابل میان کردها و حاکمیت است. اینگلهارت (۱۳۷۳) در کتاب «تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی» تئوری خود را تحت عنوان تئوری توسعه انسانی طراحی کرده است. وی معتقد است جوامع در هر دوره مجموعه پیوسته و منسجمی از ارزش‌ها را دارا هستند که مجموعه ارزش‌های سنتی، ارزش‌های بقا و ارزش‌های ابراز وجود را شامل می‌شود. از نظر او شکل‌گیری فرهنگ سیاسی دموکراتیک در زمینه وسیع‌تر تحول ارزشی تحت عنوان توسعه انسانی تحقق می‌پذیرد. در تئوری فوق شاخص‌هایی مانند رضایت از زندگی، رضایت سیاسی، اعتماد به یکدیگر، میزان بالای بحث سیاسی و حمایت از نظم اجتماعی موجود از مولفه‌های نگرش مثبت به جهان مادی است. پاتنام (۱۹۹۳) درباره سنت‌های مدنی ایتالیا، تحقیقی در زمینه ارتباط فرهنگ سیاسی و دموکراسی انجام داده است. وی با سنجش دقیق عملکرد دموکراسی در بیست منطقه شمال و جنوب ایتالیا و سپس با آزمون همبستگی‌های آماری میان عواملی از قبیل سطح درآمد، میزان شهرنشینی، میزان صنعتی شدن، مقدار منابع موجود و نظایر آن متوجه شد که مهمترین متغیر برای تبیین موفقیت‌های دموکراتیک، میزان توسعه جامعه مدنی است و تفاوت در عملکرد حکومت با وجود تشکیلات و ترتیبات نهادی یکسان، ناشی از متغیر فرهنگ سیاسی متفاوت نهفته در بافت و زمینه اجتماعی این مناطق می‌باشد. دایموند^{۲۴} (۱۹۹۹) در کتابش با عنوان «دموکراسی در حال توسعه» در آزمون فرآیندهای تحکیم دموکراسی، بر عوامل فرهنگی، سیاسی و جامعه مدنی تمرکز کرده است. او بیان می‌کند دموکراسی نیازمند مجموعه‌ای از ارزش‌های سیاسی و جهت‌گیری‌های شهروندان مانند تعادل، تساهل، مدنیت، اثربخشی، دانش و مشارکت است و فرهنگ سیاسی عاملی مهم و اصلی در تحکیم دموکراسی قلمداد می‌شود. تسلا^{۲۵} (۲۰۰۲) در پژوهشی

دارند، از نظر سیاسی نیز کمتر فعال‌اند. وی در این پژوهش نشان می‌دهد شهروندان و زنان در کشورهای پساکمونیزم، که فرهنگ سیاسی محدودتری دارند، از لحاظ سیاسی کمتر فعال‌اند و در مقایسه با هم‌تاهای غربی خود در فرآیندهای سیاسی کمتر مشارکت می‌کنند. گیسیر^{۲۰} و ریجیک^{۲۱} (۲۰۰۸) در تحقیقی مشارکت سیاسی جوانان آلمانی در اروپا را مورد مطالعه قرار دادند. نتیجه تحقیق حاکی از آن بود کشورهای آلمان، دانمارک، هلند و تا حدودی انگلیس از فرهنگ مدنی پیشرفته‌تری برخوردارند در نتیجه میزان مشارکت آنها بالا است و علاقه سیاسی جوانان عاملی مهم برای شرکت در فعالیت‌های سیاسی است. البته تفاوت میان کشورها به لحاظ مشارکت سیاسی تا حدودی به دلیل سنت‌های فرهنگ سیاسی آنان است. گراهام^{۲۲} و رگولسکا^{۲۳} (۱۹۹۷) فضای سیاسی در دسترس زنان در کشور لهستان را بررسی کردند بیان می‌نمودند دموکراسی نوظهور در لهستان تاکنون راه را برای فعالیت سیاسی زنان باز کرده است و فرهنگ سیاسی موجود در لهستان توانسته مشارکت سیاسی زنان را به شکلی برابر تضمین کند. کرمی‌فرد (۱۳۸۹) به مطالعه مشارکت سیاسی در آذربایجان غربی با تاکید بر قوم کرد پرداخته و نتیجه گرفته است مشارکت سیاسی شهروندان بیشتر برای تاثیرگذاری بر گزینش اعضای دولت، یا برنامه‌ها و فعالیت‌های آنها انجام می‌شود و اهمیت مشارکت سیاسی اقوام و اقلیت‌ها در عرصه‌های سیاسی، بویژه کنش‌های سیاسی مسالمت‌آمیز و قانونی و در تامین امنیت تاثیرگذار بوده است. در ادامه محقق تاکید نموده یک نظام سیاسی هر اندازه از میزان مشارکت سیاسی مردمی یا مشارکت عمومی بیشتری در اداره امور جامعه برخوردار باشد، به همان میزان از مشروعیت بیشتری بهره‌مند می‌گردد. به نظر او بهره‌مندی نظام سیاسی از میزان بالای مشارکت عمومی، عامل ثبات و تداوم بیشتر آن و موجب شکل‌گیری ارزش‌ها و باورهای شهروندان به نظام سیاسی است و در یک دهه گذشته

مثبت است. علاوه بر این، نتایج بیانگر تاثیر مثبت و معنادار دموکراسی بر ارزش‌های فرهنگی و هویت جمعی است. اکستین^{۲۶} و همکارانش (۱۹۷۸) بیان می‌کنند رژیم‌های سیاسی فقط تا زمانی ثبات دارند که الگوهای اقتدارشان با عقاید و دیدگاه‌های مردم در مورد نوع اقتدار سیاسی آن جامعه منطبق باشد. بر مبنای ایده انطباق، رژیم‌های اقتدارگرا تا زمانی با ثبات خواهند بود که مردم به مشروعیت قدرت‌های دیکتاتوری باور داشته باشند و رژیم‌های دموکراتیک تا زمانی با ثبات هستند که مردم به کنترل عمومی اقتدار سیاسی و فرآیند دموکراتیک اعتماد دارند. با توجه به مبانی نظری و تجربی تحقیق و با عنایت به اهمیت مشارکت سیاسی در استقرار نظام دموکراتیک و نقش ساختارهای دموکراتیک در شکل‌دهی ارزش‌های فرهنگ سیاسی، این تحقیق اولاً در تلاش برای بررسی وضعیت مشارکت سیاسی شهروندان کرد منطقه کردستان عراق جهت نیل به ایجاد یک ساختار سیاسی است و ثانیاً به این موضوع می‌پردازد که مشارکت سیاسی شهروندان و فرایندهای دموکراتیک در شکل‌دهی به کدام ارزش‌های فرهنگ سیاسی موثر هستند. موضوعات فوق به صورت مدل مفهومی در شکل (۱) ارائه می‌شود.

درباره فرهنگ سیاسی خاورمیانه و کشورهای عربی، رابطه و تاثیر سنت‌های مذهبی حاکم و فرآیندهای دموکراتیک بر ظهور فرهنگ سیاسی مشارکتی در این کشورها بررسی کرده است. وی در این مطالعه، فرضیه تاثیر منفی جهت‌گیری‌های مذهبی را بر گرایش‌ها و جهت‌گیری‌های افراد نسبت به دموکراسی آزمون کرده و نظر کسانی را که اسلام را مانع ظهور گرایش‌های سیاسی حامی دموکراسی می‌دانند به چالش کشیده است. البته محقق محدودیت‌های مطالعه خود را از نظر زمانی و مکانی و از حیث سطح تحلیل به منظور ارائه یک تعمیم معتبر می‌پذیرد و معتقد است مطالعه‌اش در این زمینه درباره کشورهای عربی تنها در حد یک شروع است و می‌تواند زمینه‌ای را برای مطالعات بیشتر در باب فهم دموکراسی و ارزش‌های دموکراتیک و تاثیر آن بر آینده تحولات جهان عرب و به علاوه میزان تجانس و یا تعارض آن با فرهنگ سیاسی دموکراتیک فراهم آورد. بهمنی‌طراز (۱۳۹۴) در رساله دکتری خود به بررسی «میزان گرایش به فرهنگ سیاسی دموکراتیک در بین طبقه متوسط جدید و عوامل موثر بر آن» در بین استادان دانشگاه و دبیران دبیرستان‌های شهر همدان پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد از بین شاخص‌های توسعه گرایش به ارزش‌های فرامادی، سطح آموزش و میزان استفاده از رسانه‌ها، و از بین شاخصه‌های سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی بیشترین رابطه را با دموکراسی دارند و متغیرهای آزادی بیان، برابری جنسیتی، تساهل و تسامح دینی نیز در کنار متغیرهای فوق تاثیرپذیری معناداری از گرایش به دموکراسی دارد. عبدالهی و حسین‌بر (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای با عنوان «هویت جمعی و نگرش به دموکراسی در ایران» بر اهمیت هویت‌های قومی برای دموکراسی و به ویژه نگرش به آن تاکید نموده‌اند. آنها با رتبه‌بندی اقوام ایرانی در راستای نگرش به دموکراسی به این نتیجه رسیدند که نگرش اقوام به دموکراسی مثبت یا نسبتاً



صنعت، آموزش و پرورش، آموزش عالی، کار و امور اجتماعی، امور فرهنگی. این وزارتخانه‌ها در حوزه‌های حاکمیتی، زیربنایی، اقتصادی - دارایی، آموزشی، اجتماعی و فرهنگی فعالیت دارند. افراد مورد مطالعه به دلیل این که در کارهای اداری و اجرایی (فرآیندهای بوروکراتیک) مشغول بودند، انتخاب شده‌اند. جهت تعیین حجم نمونه ابتدا به بخش کارگزینی وزارتخانه‌ها مراجعه شد و مشخص گردید تعداد معاونان و مدیران ۹۰ نفر هستند، که با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه آماری ۷۳ نفر برآورد گردید. برای انتخاب نمونه‌های آماری از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شد که در آن وزارتخانه‌ها به عنوان خوشه اصلی و بخش‌های اداری - مالی، آموزش منابع انسانی، عمرانی، تحقیق و توسعه، به عنوان خوشه فرعی در نظر گرفته شدند و از بین آنها عضوهای نمونه انتخاب شده‌اند.

در این تحقیق برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های محقق ساخته استفاده گردید. این پرسشنامه‌ها حاوی سوالات بسته بوده و گویه‌های آن به صورت ترتیبی (رتبه‌ای) و با مقیاس ۵ ارزشی (طیف لیکرت) جهت اندازه‌گیری تعریف شده‌اند. قبل از توزیع پرسشنامه‌ها لازم بود از روایی و پایایی آنها اطمینان حاصل می‌شد، بنابراین پرسشنامه‌ها در اختیار ۲۵ نفر از خبرگان قرار گرفت تا نظرات تخصصی خود را

- فرضیه‌های تحقیق

- در این تحقیق سه فرضیه مطرح شد که عبارتند از:
۱. به نظر می‌رسد بین مشارکت سیاسی و استقرار نظام دموکراتیک رابطه معنادار وجود دارد.
 ۲. به نظر می‌رسد بین مشارکت سیاسی و ارزش‌های فرهنگ سیاسی رابطه معنادار وجود دارد.
 ۳. به نظر می‌رسد بین دموکراسی و ارزش‌های فرهنگ سیاسی رابطه معنادار وجود دارد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر هدف، بنیادی و از نظر ماهیت و روش گردآوری داده‌ها نیز، توصیفی (پیمایشی) است و به لحاظ این که رابطه بین چند متغیر را بررسی می‌کند جزو تحقیقات توصیفی - همبستگی به شمار می‌رود. جامعه آماری تحقیق شامل معاونان و مدیران ۱۳ وزارتخانه (از مجموع ۱۷ وزارتخانه) در منطقه کردستان عراق بود که از سال ۲۰۰۳ میلادی به صورت رسمی استخدام و مشغول بکار شده‌اند. وزارتخانه‌های مورد مطالعه عبارتند از: وزارتخانه داخلی، دادگستری، برنامه‌ریزی، حمل و نقل، برق و منابع طبیعی، منابع آب و کشاورزی و محیط زیست، امور شهرداری‌ها، اقتصاد، بازرگانی و

آمده برای متغیرهای مشارکت سیاسی (۰/۹۴۲)، دموکراسی (۰/۹۴۳) و فرهنگ سیاسی (۰/۹۵۲) است. در نهایت داده‌های تحقیق، با آزمون‌های کولموگروف - اسمیرنف، ضریب همبستگی پیرسون (نرم‌افزار SPSS22) و آزمون تحلیل مسیر (نرم‌افزار LISREL8.5) تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌های پژوهش

برای تحلیل داده‌های تحقیق، سه آزمون کولموگروف - اسمیرنف، همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر مورد استفاده قرار گرفت. ابتدا به منظور تعیین نحوه توزیع داده‌ها، آزمون کولموگروف - اسمیرنف انجام شد و مشخص گردید خطای محاسبه شده در این آزمون بیشتر از خطای آلفا است که این امر نرمال بودن توزیع داده‌ها را نشان می‌دهد. نتایج این آزمون در جدول (۱)، ارائه شده است.

نسبت به گویه‌ها آن بیان کنند. جهت سنجش میزان روایی گویه‌ها، مقادیر روایی محتوا (نسبت و شاخص روایی)، روایی صوری و روایی سازه آنها اندازه‌گیری شد. به طوری که در نسبت روایی مقدار عددی گویه‌ها ۰/۳۷ و در شاخص روایی مقادیر عددی هر یک از گویه‌ها بیشتر از ۰/۷۹ بدست آمد که این مقادیر نشان می‌دهند نسبت و شاخص روایی محتوا برای همه گویه‌ها مورد تایید است. جهت اندازه‌گیری روایی صوری، از آزمون نمره تاثیر آیتم استفاده گردید. در این آزمون تمامی گویه‌ها مقدار عددی بالاتر از ۱/۵ (حد قابل قبول برای روایی صوری) داشتند. همچنین جهت روایی سازه، آزمون تحلیل عاملی اکتشافی انجام شد که در آن شاخص کفایت نمونه‌گیری KMO بیشتر از ۰/۶ بود و مقدار کای دو [آزمون بارتلت] برای متغیرهای مشارکت سیاسی، دموکراسی و فرهنگ سیاسی به ترتیب مقادیر (۱/۷۲۲)، (۰/۷۸۵) و (۰/۷۹۰) بدست آمد. به منظور سنجش پایایی پرسشنامه آزمون آلفای کرونباخ انجام شد که نتایج بدست

جدول ۱ - آزمون کولموگروف - اسمیرنف

متغیرها	Z آماره	Sig	تایید فرضیه	نتیجه‌گیری
میزان مشارکت سیاسی	۰/۰۹۷	۰/۰۸۶	H ₀	نرمال است
میزان دموکراسی	۰/۰۹۹	۰/۰۷۵	H ₀	نرمال است
فرهنگ سیاسی	۰/۰۹۸	۰/۰۷۹	H ₀	نرمال است

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد بین مشارکت سیاسی و ارزش‌های فرهنگ سیاسی رابطه معنادار وجود دارد. در این آزمون ضریب همبستگی بین متغیرهای مشارکت و فرهنگ سیاسی مقدار عددی (۰/۷۹۴) بدست آمد که این مقدار نشان دهنده وجود یک رابطه مثبت و قوی بین دو متغیر است. با توجه به اینکه خطای محاسبه شده کمتر از مقدار خطای آلفا بود، لذا فرض H₀ رد و فرض H₁ مورد تایید قرار گرفت.

فرضیه سوم: به نظر می‌رسد بین دموکراسی و ارزش‌های فرهنگ سیاسی رابطه معنادار وجود دارد. در این آزمون ضریب همبستگی بین دموکراسی و فرهنگ سیاسی مقدار

در ادامه با توجه به توزیع نرمال داده‌ها، به منظور بررسی میزان، جهت و شدت رابطه بین متغیرها آزمون ضریب پیرسون انجام شد که در ذیل به جزئیات آنها اشاره می‌شود:

فرضیه اول: به نظر می‌رسد بین مشارکت سیاسی و استقرار نظام دموکراتیک رابطه معنادار وجود دارد. در این آزمون مقدار ضریب همبستگی بین دو متغیر عدد (۰/۷۸۵) و خطای محاسبه شده نیز کمتر از مقدار خطای آلفا بدست آمد، لذا ضمن رد فرض H₀ و تایید فرض H₁، می‌توان نتیجه گرفت بین دو متغیر فوق یک همبستگی مثبت و قوی برقرار است.

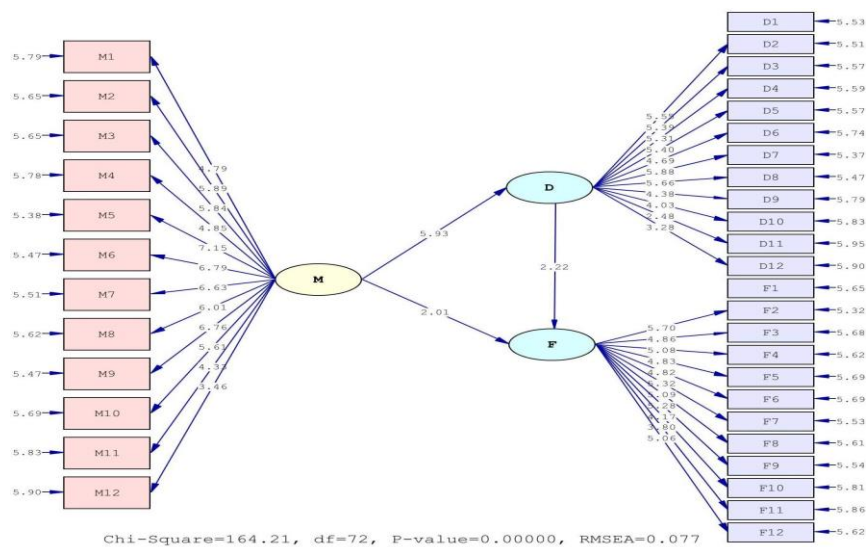
(۰/۷۷۴) بود که این مقدار نشان از وجود همبستگی مثبت و H_1 تایید کرد. نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای قوی را بین دو متغیر دارد. با توجه پایین بودن خطای محاسبه شده نسبت به خطای آلفا، می‌توان فرض H_0 رد و فرض تحقیق در جدول (۲)، ارائه شده است.

جدول ۲ - نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای تحقیق

متغیرها	میزان مشارکت سیاسی	میزان دموکراسی	فرهنگ سیاسی
میزان مشارکت سیاسی	همبستگی پیرسون	۰/۷۸۵	۰/۷۹۴
	sig (دو دامنه)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
میزان دموکراسی	همبستگی پیرسون	۰/۷۸۵	۰/۷۷۴
	sig (دو دامنه)	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

در نهایت برای تعیین میزان اثرگذاری متغیرها، لازم بود معناداری مسیرها (یعنی مقادیر T-value) بررسی شود که پس از انجام آزمون، نتایج معناداری مسیرهای اثرگذاری را نشان دادند. به طوری که در مسیر اثرگذاری مشارکت سیاسی به دموکراسی (فرضیه اول) مقدار عددی (۵/۹۳) بدست آمد که نشان دهنده تاثیر بالای مشارکت سیاسی در استقرار نظام دموکراتیک است. همچنین در مسیر اثرگذاری مشارکت سیاسی به فرهنگ سیاسی

(فرضیه دوم) مقدار عددی (۲/۰۱) حاصل شد که این مقدار تاثیر مطلوب مشارکت سیاسی بر شکل‌دهی به ارزش‌های فرهنگ سیاسی را نشان می‌دهد. نهایتاً در مسیر اثرگذاری دموکراسی به فرهنگ سیاسی (فرضیه سوم) مقدار عددی (۲/۲۲) بدست آمد که این مقدار بیان کننده تاثیر قابل قبول سیستم دموکراتیک در شکل‌دهی به ارزش‌های فرهنگ سیاسی است. شکل (۲)، مقادیر T-value را در مسیرهای مختلف نشان می‌دهد.



شکل ۲ - مقادیر T-value متغیرها

نتیجه‌گیری

با توجه به تایید فرضیه اول مبنی بر وجود رابطه معنادار بین مشارکت سیاسی شهروندان و استقرار نظام دموکراتیک در منطقه کردستان عراق می‌توان بیان داشت این نتایج با یافته‌های پژوهشی (ویتلی ۲۰۰۲، مظلوم خراسانی و عظیمی هاشمی ۱۳۹۰، شیرزادی ۱۳۸۹، اطاعت ۱۳۸۳) مطابقت دارد. نظر به ارتباط تنگاتنگ مشارکت سیاسی و دموکراسی و نیز با در نظر گرفتن نتایج آزمون‌های آماری پیشنهاد می‌شود نظام سیاسی حاکم بر منطقه کردستان عراق با بسترسازی جهت ترغیب شهروندان کرد به رای دادن و حضور فعالیت‌های انتخاباتی، شرکت در فعالیت‌های سازمانی و عضویت در احزاب و گروه‌های سیاسی، و شرکت در مراسم و راهپیمایی‌های اعتراضی نقش موثرتری در استقرار نظام دموکراتیک ایفا کنند. به طوری که این فرآیندهای مشارکتی اقدامی عملی جهت افزایش و توزیع فرصت‌های برابر بین مردم، و شرکت در تصمیم‌گیری‌های جمعی به منظور استقرار یک نظام دموکراتیک بشمار می‌رود. نتیجه این که مردم با حضور در عرصه‌های مختلف اداره جامعه، پایه‌های دموکراتیزه شدن سیستم سیاسی پی‌ریزی می‌نمایند و حضور و مشارکت آنها هم در اصل تاسیس و پیدایش نظام سیاسی دموکراتیک تاثیر می‌گذارد، و هم در تداوم و استمرار آن. لازم به ذکر است تفکیک نظام‌های سیاسی در جوامع بشری به جوامع دموکراتیک یا غیردموکراتیک، براساس میزان مشارکت و نقش شهروندان در حکومت و امور جامعه قابل ارزیابی می‌باشد و به لحاظ نظری، هنگامی که مردم در انتخابات شرکت می‌کنند در واقع، برنامه‌ها و سیاست‌های احزاب گوناگون را قبول با رد می‌کنند. به عبارتی مردم به تک تک برنامه‌ها رای نمی‌دهند، بلکه انتخاب آنها مبتنی بر پذیرش یا رد مجموعه‌ای از سیاست‌ها و ارزش‌ها است. در این راستا (ستوکس ۲۰۰۳) نیز بیان می‌کند از موثرترین راه‌های رسیدن به توسعه واقعی و با ثبات، جلب مشارکت مردم در فرآیند توسعه از مرحله تصمیم‌گیری تا اجرا است.

با تایید فرضیه دوم، که به رابطه بین مشارکت سیاسی و شکل‌گیری ارزش‌های فرهنگ سیاسی اشاره داشت، می‌توان عنوان نمود این نتایج با یافته‌های تحقیقاتی (کیریس ۲۰۱۲؛ گیسیر و ریچیک ۲۰۰۸؛ گراهام و رگولسکا ۱۹۹۷؛ کرمی‌فرد ۱۳۸۹) همخوانی دارد. با استناد به داده‌های بدست آمده، پیشنهاد می‌شود نظام سیاسی منطقه کردستان عراق با تشویق شهروندان کرد با حضور در فرایندهای مشارکتی دیدگاه‌ها و نگرش‌های دموکراتیک را به آنها القا نماید که عاملی مهم در جهت جامعه‌پذیر کردن طبقات مختلف جامعه است. هم‌چنین شهروندان با شرکت در فعالیت‌های مشارکتی به سیاست‌ها و برنامه‌های احزابی رای دهند که در راستای تامین و صیانت از استقلال و آزادی‌های فردی تدوین شده‌اند. چنین رویکردی این طرز تلقی را در بین مشارکت شهروندان کرد ایجاد می‌نماید که آراء آنها در آینده می‌تواند تغییرات قابل توجهی در زندگی‌شان ایجاد نماید که این موضوع خود بستر فکری و فرهنگی مناسبی را در سطح جامعه برای نزدیکی هر چه بیشتر دولت و مردم تبیین می‌کند. در این رابطه تامپو و رودولف (۲۰۰۸) بیان می‌کنند مشارکت سیاسی رابطه‌ای بین شهروندان و دولت ایجاد می‌کند و اجازه می‌دهد که شهروندان به صورت مستقیم و غیرمستقیم منافع، نگرانی‌ها و خواسته‌هایشان را به دولت و صاحبان قدرت منتقل کنند.

در آخر با تایید فرضیه سوم، که بر رابطه بین سیستم دموکراتیک و شکل‌گیری ارزش‌های فرهنگ سیاسی تاکید داشت، می‌توان عنوان نمود نتایج این فرضیه در راستای یافته‌های پژوهشی (تسلر ۲۰۰۲؛ دایموند ۱۹۹۹؛ اکستین و همکاران ۱۹۷۸؛ بهمنی‌طراز ۱۳۹۴؛ پانام ۱۹۹۳؛ عبداللهی و حسین‌بر ۱۳۸۵؛ اینگلهارت ۱۳۷۳) است. با در نظر گرفتن نتایج این فرضیه پیشنهاد می‌شود سیستم سیاسی با بکارگیری سیاست‌های دموکراتیک، مانند برگزاری آزادی انتخابات، آزادی رقابت در بین

اینگله‌هارت، رونالد و کریستین ولزل (۱۳۹۴). نوسازی
تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه: یعقوب احمدی، تهران:
نشر کویر.

بال، آلن و گای پیترز (۱۳۸۴). سیاست و حکومت
جدید، ترجمه: عبدالرحمن عالم، تهران: انتشارات قوس.
بروکر، پل (۱۳۸۸). رژیم‌های غیردموکراتیک (نظریه‌ها
سیاست و حکومت)، ترجمه: علیرضا سمیعی اصفهانی،
تهران: انتشارات کویر.

بشیریه، حسین (۱۳۸۴). گذار به دموکراسی، تهران:
انتشارات نگاه معاصر.

بشیریه، حسین (۱۳۹۲). آموزش دانش سیاسی، تهران:
نشر نگاه معاصر.

بهمنی‌طراز، غدیر (۱۳۹۴). بررسی میزان گرایش به
فرهنگ سیاسی دموکراتیک در بین طبقه متوسط جدید و
عوامل موثر بر آن (مورد مطالعه: استادان دانشگاه و دبیران
دبیرستان‌های شهر همدان)، رساله دکتری جامعه‌شناسی
سیاسی، دانشکده روانشناسی و علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد
اسلامی، واحد تهران مرکزی.

پای، لوسین (۱۳۷۳). فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی،
ترجمه: مجید محمدی، فصلنامه فرهنگ.

پوپر، کارل (۱۳۹۶). درس این قرن، ترجمه: علی پایا،
تهران: انتشارات طرح نو.

راش، مایکل (۱۳۹۳). جامعه و سیاست (مقدمه‌ای بر
جامعه‌شناسی سیاسی)، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران:
انتشارات سمت.

سیف‌زاده، حسین (۱۳۸۸). پانزده مدل نوسازی، توسعه
و دگرگونی سیاسی، تهران: نشر قوس.

شومپتر، جوزف (۱۳۷۵). کاپیتالیسم سوسیالیسم و
دموکراسی، ترجمه: حسن منصور، تهران: انتشارات دانشگاه
تهران.

شیرزادی، رضا (۱۳۸۹). دولت و توسعه سیاسی در
مالزی، نشریه مطالعات سیاسی.

احزاب سیاسی و آزادی بیان در رسانه‌ها و مطبوعات
فرهنگ سیاسی مشارکتی را در شهروندان کرد نهادینه
کند تا پیوند هنجاری میان دولت و مردم پایه‌های
دموکراتیزه کردن جامعه را استوار نماید. در ادامه نظام
سیاسی با اعمال فرایندهای تصمیم‌گیری‌های
دموکراتیک، شهروندان را در برخورد متساهلانه نسبت
به عقاید متفاوت یاری کرده تا جامعه کردستان عراق به
سمت ارتقای ارزش‌های دموکراتیک و فرامادی حرکت
کند. اتخاذ چنین رویکردی از جانب ساختار سیاسی
حاکم حق برابری همگان در مقابل قانون و حاکمیت
مردم با گرایش‌های سیاسی مختلف را محفوظ می‌دارد.
البته باید در نظر داشت ایجاد و تثبیت ارزش‌های
دموکراتیک در جامعه، سبب شکل‌گیری نگرش و دیدگاه
مثبت شهروندان نسبت به عملکرد نظام سیاسی می‌شود،
لذا پشتیبانی از نظام سیاسی تا حد قابل توجهی به
ارزش‌ها، اعتقادات و دیدگاه‌های شهروندان بستگی دارد.
با توجه به این که فرهنگ سیاسی و نقش آن در توسعه
سیاسی بر کسی پوشیده نیست، لذا برای تحقق جامعه‌ای
دموکراتیک، مدرن و توسعه‌یافته اهتمام به پرورش
فرهنگ سیاسی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است و می‌تواند
ساختارهای حکومتی و کارکردهای آن را تحت تاثیر
قرار دهد.

منابع

اطاعت، جواد (۱۳۸۳). نظام انتخاباتی و نظام سیاسی،
مطالعه فرایند دموکراتیزاسیون در ایران، رساله دکتری علوم
سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران.
اوکلی، پیتر و دیوید مارسدن (۱۳۷۰). رهیافت‌های
مشارکت در توسعه روستایی، ترجمه منصور محمودنژاد،
تهران: انتشارات جهاد سازندگی.
اینگله‌هارت، رونالد (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه
پیشرفته صنعتی، ترجمه: مریم وتر، تهران: نشر کویر.

Deutsch, K (1961). Social mobilization and political development, *American Political Science Review*.

Diamond, L (1999). *Developing democracy toward consolidation*, Baltimore and London: The Johns Hopkins University Press.

Eckstein, S, Donald, G, Horton, D & Carroll, T (1978). *Land reform in Latin America: Bolivia, Chile, Mexico, Peru and Venezuela*, World Bank Staff Working Paper, Washington DC.

Frederickson, G (1980). *New public administration*, Tuscaloosa: University of Alabama Press.

Gaiser, W & Rijike, J (2008). Political participation of youth young Germans in the European Context, *Asia Europe journal*, Springer, January.

Gendzier, I (2017). *Development against Democracy: Manipulating Political Change in the Third World*, London: Pluto Press.

Goulet, D (1995). *Development ethics: a guide to theory and practice*, New York: The Apex Press and, London: Zed.

Graham, A & Regulska, J (1997). Expanding political space for women in Poland: An analysis of three communities, *Communist and Post-Communist Studies*.

Huntington, S (1993). *The third wave democratization in the late twentieth century*, Norman: University of Oklahoma Press.

Kirbis, A (2012). Political participation and non-democratic political culture in Western Europe, East-Central Europe and Post- Yugoslav countries, *democracy in transition*.

Lerner, D (1958). *The passing of traditional society*, Glencoe: Free Press.

Lipset, M (1959). Some social requisites of democracy: economic development and political legitimacy, *The American Political Science Review*.

Putnam, R (1993). *Making democracy work: civic traditions in modern Italy*, Princeton: Princeton University Press.

عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۳). بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.

عبداللهی، محمد و محمد عثمان حسین‌بر (۱۳۸۵). هویت جمعی و نگرش به دموکراسی در ایران، مجله جامعه‌شناسی ایران.

قوام، عبدالعلی (۱۳۹۳). توسعه سیاسی و تحول اداری، تهران: نشر قومس.

قوام، عبدالعلی (۱۳۹۴). سیاست‌های مقایسه‌ای، تهران: انتشارات سمت.

کرمی‌فرد، محمدرضا (۱۳۸۹). بررسی مشارکت سیاسی در آذربایجان غربی با تاکید بر قوم کرد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه تبریز.

کوهن، کارل (۱۳۸۹). دموکراسی، ترجمه: عباس مخبر، تهران: نشر نی.

کیویستو، پیتر (۱۳۹۲). اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

مظلوم خراسانی، محمد و مژگان عظیمی هاشمی (۱۳۹۰). توسعه و نابرابری در هند، فصلنامه مطالعات جهان. میلبرث، لستر و گوئل لیل (۱۳۸۶). مشارکت سیاسی، ترجمه: رحیم ابوالحسنی، تهران: نشر میزان.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۹۰). موج سوم دموکراسی در پایان سده بیستم، ترجمه: احمد شهسا، تهران: انتشارات روزنه.

هیوود، اندرو (۱۳۹۰). مقدمه نظریه سیاسی، ترجمه: عبدالرحمن عالم، تهران: نشر قومس.

Almond, G (1987). *The development of political development, Understanding Political Development*, (ed), Myron Weiner and Samuel Huntington. Boston: Little Brown.

Catt, H (1999). *Democracy in practice*, Rutledge, U. S. A and Canada.

Cord, R, Medeiros, J, Jones, W (1985). *Political science*, Second Ed, New Jersey: Prentice Hall.

orientations, an attitude toward democracy in four Arab countries, *Comparative Politics*.

Vanhanen, T (1990). *The process of democratization: a comparative study of 147 states 1980-88*, New York: Crane Russak.

Wheatley, S (2002). Non-Discrimination and equality in the right of political participation for minorities, *Journal on Ethno Politics and Minority Issues in Europe*.

Robertson, D (1988). *The penguin dictionary of politics*, Penguin Books, London.

Stokes, A.K (2003). *Latino group consciousness and political participation*, American Politics Research.

Tam Cho, W & Rudolph, T (2008). *Emanating political participation: untangling the social structure behind participation*, *British Journal of Political Science*.

Terence, B & Dagger, R (2013). *Political ideologies and the democratic ideal*, New York: Palgrave Macmillan.

Tessler, M (2002). *Islam and democracy in the Middle East: the impact of religious*

یادداشت‌ها

^۱ John Locke
^۲ Jon Stuart Mill
^۳ Jacobson
^۴ Stokes
^۵ Lerner
^۶ Deutsch
^۷ Frederickson
^۸ Broker
^۹ Almond
^{۱۰} Verba
^{۱۱} Goulet
^{۱۲} Cohen
^{۱۳} Inglehart

^{۱۴} Lipset
^{۱۵} De Tocqueville
^{۱۶} Dahl
^{۱۷} Catt
^{۱۸} Wheatley
^{۱۹} Kirbis
^{۲۰} Gaiser
^{۲۱} Rijike
^{۲۲} Graham
^{۲۳} Regulska
^{۲۴} Diamond
^{۲۵} Tessler
^{۲۶} Eckstein